

عکس/کهن ترین نسخه خطی دیوان حافظ

۱۱ آبان ۱۳۹۳ ساعت ۱۷:۳۳

به گزارش میراث مکتوب، این دستنویس کهن ترین نسخه شناخته شده و کامل از دیوان حافظ است و به شماره ۵۱۴۹ در کتابخانه نورعثمانیه (استانبول) نگهداری می شود.

این نسخه شامل ۴۳۵ غزل، ۱ ترجیع بند (بندی از آن)، ۲۶ قطعه، ۴ مثنوی و ۱۱ رباعی است.

بنا به گزارش ترقیمه کتابت اشعار حافظ را محمد بن عبدالله بن محمد ابوبکر بن کریمشاه ملقب به غیاث ابرقوهی در روز چهارشنبه بیستم جمادی الاول سال ۸۰۱ ق به اتمام رسانده است. خط ابرقوهی از مشقهای نخستین نستعلیق نویسی پس از سده ۸ ق است و جریانی را می آزماید که در آن تعلیق به نستعلیق جای می پردازد و در مسیر همین تجربه است که هنوز نستعلیق غیاث ابرقوهی از کرشمه ها و غمزه های تعلیق نیز برخوردار است.

مهم ترین امتیاز این دستنویس، وجود دیباجه محمد گلندام (جامع دیوان حافظ) در آن است و تاکنون قدیم ترین نسخه از این دیباجه است که شناخته شده. غزلیات در نسخه نورعثمانیه به ترتیب الفبای قوافی تنظیم یافته و از این نکته معلوم می شود که از همان ازمنه قریب به دوره حافظ غزلیات او بر اساس قوافی سامان یافته بوده است. مقایسه و مقابله نسخه نورعثمانیه با دیگر نسخه های کهن حافظ، تفاوتهایی را در ضبط و قرائت برخی از کلمات نشان می دهد و تشابهاتی را نیز مشخص می نماید.

دستنویس شماره ۵۱۴۹ نورعثمانیه مجموعه ای است شامل اشعار شش شاعر که اشعار حافظ نخستین جزو از مجموعه است و برگهای ۱ تا ۴۱ آن را به خود اختصاص داده است. پس از دیوان حافظ این آثار در این مجموعه به چشم می خورد:

— دیوان افصح الشعراء جمال الملة والدین سلمان (برگ ۴۳ - ۱۰۶)

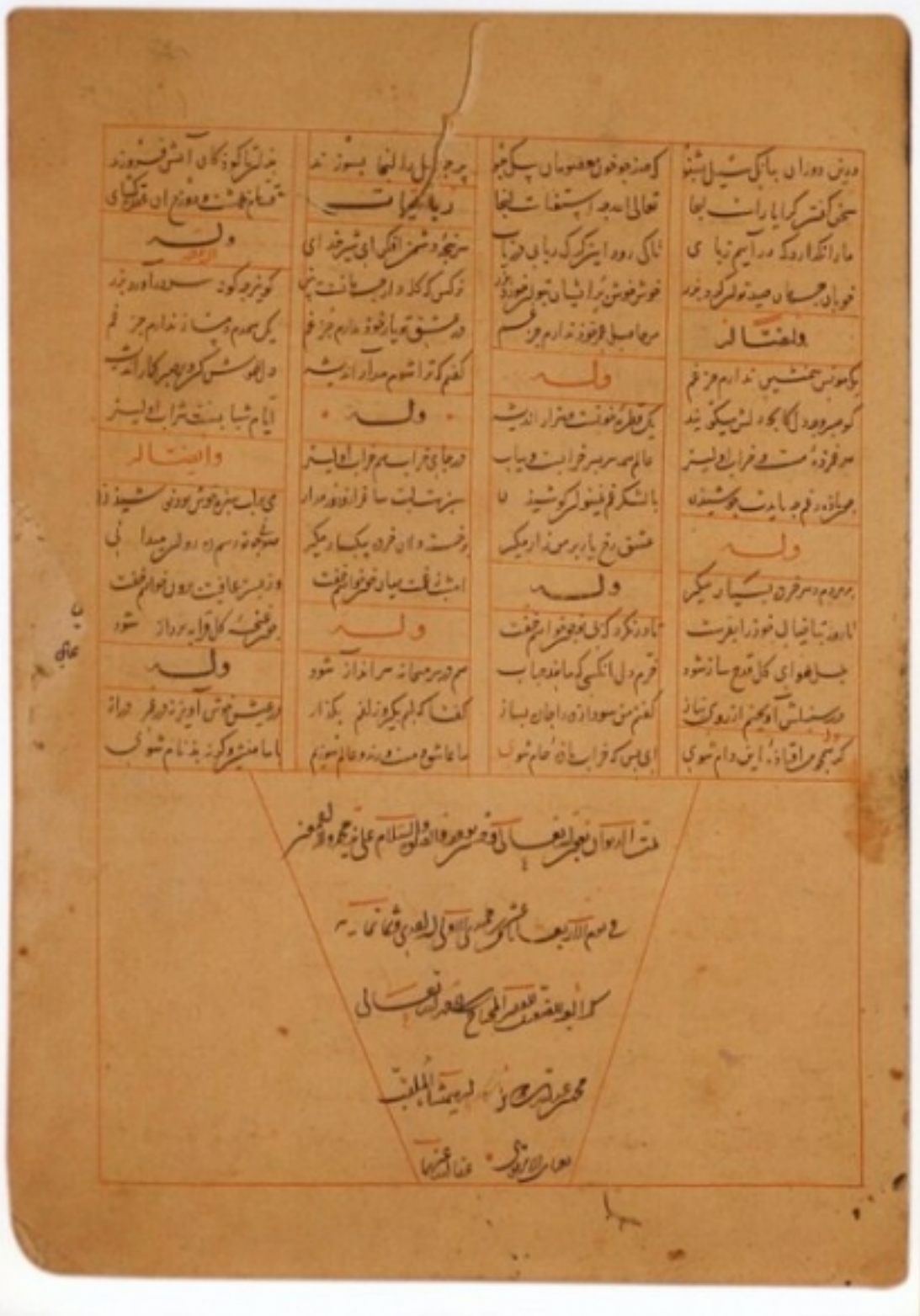
— روشنایی نامه از گفتار املح الکلام ملک الحکماء والمحققین ناصر خسرو (برگ ۱۰۶ - ۱۱۱)

— دیوان شیخ المحققین عماد الملة والدین (برگ ۱۱۲ - ۱۷۸) به همراه کتاب محبت نامه (برگ ۱۷۹ - ۱۸۹)، کتاب صفانامه (برگ ۱۸۹ - ۲۰۲)، و کتاب صحبت نامه (برگ ۲۰۴ - ۲۱۵) از همو.

— دیوان مرتضی المعظم جلال الملة والدين (برگ ۲۱۶ - ۲۴۹)

— دیوان مرتضی الاعظم کمال الملة والدين (برگ ۲۵۰ - ۲۶۷)

این اثر به کوشش و با مقدمه جناب آقای بهروز ایمانی معرفی و شناسایی شده است و در پایان آن نیز تصاویری از منابع کهن اشعار حافظ گرد آمده است.



دوش دوران با کمال شبنو سخت گفتن کرایان با مارانکه رو که در آیم نیا نوبان حسان صید تو کرد بند	که در جو خون و هوسان پس کفر تعالی به استغاثت لجا تاکی رود اینتر که بیای خوش خوش برایشان بول خوش	برج اول در لهما بسوزند و با حیوانات سزخه دشمنان که ای شیر خدای تکس که کله در میستانت	بندت که کان آتش فروزند تقنم جوش و نوبت ان تقوی وله گویند کوز سدا و بند یک صدم دست از خدام جز نم دالوشن که در بهر کار آید ایام شب بستن شراب لیسن
یکمونس خمشین نه ام فرم گویند و در کاجوه لسن میگویند سر فرود مسته خراب لیسن مراوده فرم بادت جوشینه	یک قطره خونست مترا اندیش عام سر سر خرابت و بیاب باش که فرم فینو که کوشینه مشق رخ یار بر سزار میکس	وله در جای خراب هم خراب لیسن سزست است سافرا نوبت در رخت و ان خون یکسار میکس است وقت میان خون تو خفت	واستار یاب سز خوش بودی شینه سزخه در سم و در لسن میدانی و در سز عافیت خون تو خفت خوش کای اول در روز شود
بروم در سر خون یکسار میکس نارده بتایینال نوزد ایست بسل هوای کل قمع ساز شود و کسینش او بخت از نو کسیناز که بر سر اقاد از این دام شوی	وله تا در نکره کفی تو خوش خفت فرم دل انگسی که ساند عیاب گفتم من سواد از اجان ساز ای پس که خرابان عام شوی	وله هم در سز سازه مرا خاز شود گفت که بلم یکو زلفم بکار ما عاشق مست و بند و عالم نوبت	وله در پیشش آویز ز در دراز اما من سز که کرد بد نام شوی

ب
عاق

دست ابروان نعلی غیبی
 در صوم الله بعد منبر
 کمال الوصفه
 محمد صریح ز
 عمارت ز

